فیش منبر

موضوع:

وقتی می گوییم شیعه هستیم،

یعنی چه؟

(جلسه هجدهم)

سخنران:

استاد کاشانی



جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم»
«أُفَوِّضُ أَمْری إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصیرٌ بِالْعِبادِ».[۱]
«رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری * وَ یَسِّرْ لی أَمْری * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانی * یَفْقَهُوا قَوْلی».[۲]
«اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِی بِالْهُدَی وَ أَلْهِمْنِی التَّقْوَی».[۳]

مقدّمه

هدیه به پیشگاه سراسر نور و رحمتِ حضرت صدر الخلائق و خیرالمرسلین صلی الله علیه و آله و اهل بیت مکرّم ایشان، علی الخصوص امیرالمؤمنین علیه أفضل صلوات المصلّین صلواتی هدیه بفرمایید.
اللهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم
عرض ادب، ارادت، خاکساری، التجاء، استغاثه به محضرِ باعظمتِ حضرت بقیّة الله الأعظم روحی و ارواح من سواه فداه و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف صلوات دیگری محبّت بفرمایید.
اللهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم
جلسه‌ی گذشته عرض کردیم که برای تربیت، اولاً به یک الگوی انسانی نیاز است، که بشود از آن گفت و به آن افتخار کرد و بشود او را دوست داشت، افول نکند، رنگ نبازد، فرامرز و فرازمان و فرامکان باشد، وگرنه در هر جایی که محدود باشد، به همان میزان هم محدود می‌ماند.

حتّی الگوهای خوب هم فرازمانی و فرامکانی نیستند

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

کمااینکه بعضی‌ها هستند که بزرگ و بزرگوار هستند، ممکن است در دوره‌ای یا دوره‌هایی یا صده‌ای بعنوان یک «الگوی میانی» مورد توجّه مردم قرار گرفته شوند، بعد فراموش می‌شوند.

مانند شیخ طوسی علیه الرّحمة و الرضوان و سلام الله علیه که خیلی زحمت کشیده است، به گردن ما حق حیات دارد، روزانه در حوزه و در جاهایی که معارف الهی بحث می‌شود، شیخ طوسی با آثار خود همراه آن‌ها شریک است، هم در تفسیر، هم در حدیث، هم در علم رجال، هم در فقه، هم در عقائد.

الآن عتبه عباسیّه علیه الصلاة والسلام آثار شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه را برای آمادگی، برای هزارمین سال وفات او، که سال ۱۴۶۰ می‌شود، کار می‌کنند.

توجّه کنید که آثار شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه هنوز بعد از هزار سال چنان ارزش دارد که عدّه‌ای محقق روی آن کار می‌کنند تا آن‌ها را چاپ کنند.

اما همانطور که می‌دانید شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه تا صد سال یا بیشتر طوری بود که اصلاً بعضی‌ها از هیمنه‌ی او جرأت نمی‌کردند نظر بدهند، با اینکه شیخ به رحمت خدا رفته بود؛ اما بعد تمام شد.

واضح است که شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه مؤثر است و باقیات الصالحات دارد، سلام خدا بر او، ان شاء الله خدای متعال شفاعت ایشان را روزی ما کند، اما تمام شد.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

آن کسی که می‌خواهد در رأس قرار بگیرد، باید کسی بالاتر از شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه باشد.

شما بیچارگی مذاهب را درک می‌کنید، وقتی حتّی شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه نمی‌تواند آن شخص باشد، بلاتشبیه، دور از محضر شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه، آیا ابوحنیفه می‌تواند؟ آیا مالک بن أنس می‌تواند؟ آیا ابن حزم می‌تواند؟ این‌ها اصلاً فروغی نداشتند که بخواهند افول داشته باشند!

وقتی به سراغ زندگی‌نامه‌های نوع این‌ها بروید، می‌بینید فجایع دارند!

مثلاً در آثار زهد یکی از این‌ها نوشته‌اند که ایشان به حمام نمی‌رفت، و وقتی شاگردها می‌خواستند بین درس استراحت کنند، شپش‌های استاد را تمیز می‌کردند!

حال شما نام او را «شیخ الإسلام نَوَوی» بگذار و بگو مهم‌ترین شرح صحیح مسلم را دارد!

به نظر شما چنین شخصی اصلاً امکان اینکه بخواهد رهبری و قیادت کند و دوست داشته شود و به او عشق ورزیده شود هست؟ برای بعضی هم بدتر از این!

اگر کسی خوب باشد، شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه می‌شود و تمام می‌شود.

توجّه کنید که نمی‌گویم باقیات صالحات او تمام می‌شود، ولی به اندازه‌ی هزار سال جذابیت ندارد که شما پشت سر او حرکت کنید.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

بعضی از این بزرگان عصر ما که خیلی هم بزرگ هستند، عظیم الشأن هستند، بعضی از شهدای ما، آیا پانصد سال بعد هم اصلاً اسمی از این‌ها هست؟

آن کسی که قهرمانی او طوری باشد که شما هرچه در هر زمینه‌ای رشد کردید، نباید بتوانید از او جلو بزنید، وگرنه او نمی‌تواند قهرمان زندگی ما باشد، و افول می‌کند.

آن کسی که بشود بصورت فرازمان دور او جمع شد، باید کسی باشد که بزرگتر از این حرف‌ها باشد، که با پیشرفت علم بشر، چه در علوم طبیعی، چه در علوم انسانی، اگر جایی او را وصف کردی، نباید بالاتر از او باشد؛ وگرنه او نمی‌تواند کسی باشد که شما همه‌ی دلتان را به او بسپارید؛ یعنی موقتی است، شما دلتان را به او سپرده‌اید تا نفر بعدی بیاید.

مانند بزرگان فوتبالیست‌ها، دوره‌ی کودکی ما کسانی مطرح بودند که الآن جوانترهای اهل فوتبال، حتّی نام آن‌ها را نشنیده‌اند! کسانی هم که امروز برای شما مهم هستند، مثلاً بیست و پنج سال بعد خبری از نامشان نیست، مگر اینکه کسی روی تاریخ فوتبال کار کند یا زندگی خود را وقف فوتبال کرده باشد، وگرنه نوع مردم اصلاً نشنیده‌اند و نمی‌شناسند، یعنی تمام شده و افول کرده است، یعنی فرغی است و افولی.

در امور انسانی کار پیچیده‌تر است، باید کسی باشد که انسان بتواند در دنیا و آخرت به او تکیه کند و همه چیز خود را پای او حساب کند.

این ظرفیت غیر از آن بحث‌های قبلی (بجز بحث جلسه‌ی قبل) است، که حق چیست و باطل چیست؛ اصلاً این ظرفیت در هر کسی نیست! اصلاً به

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

فرض که معاذالله حق هم هست، چه چیزی دارد که امروز بشود پای او ایستاد؟

پروژه‌ی سریال معاویه

من فکر می‌کنم این پروژه‌ی صد میلیون دلاری را خیلی گران با عربستان حساب کرده‌اند، چون حتّی پنج میلیون دلار هم نمی‌ارزد، از نظر هنری هم خیلی آشغال است!

شما بروید و همین سریال آشغال معاویه را ببینید، آنقدر افتضاح است که قاعده این بود که انسان بگوید دیدن آن حرام است، ولی اگر ببینید، خواهید دید که نمی‌توانند هیچ چیزی از این آدم بگویند!

مثلاً این معاویه چه تفوّقی بر چرچیل و ترامپ و... دارد؟ مردم نمونه‌ی به مراتب پدرسوخته‌تر از او را می‌بینند!

باید کسی باشد که بشود به او فکر کرد، بشود به او عشق ورزید، بشود به او افتخار کرد، او رودست نداشته باشد.

آخرِ یک خطیِ این معاویه چیست؟ اصلاً کاری به راست یا دروغ بودن محتوا هم ندارم، اصلاً او کیست و چه ویژگی‌هایی دارد و قد او چقدر است؟ آنجا معلوم می‌شود که او اصلاً فروغی ندارد که بخواهد افول کند!

این سریال یک کاسبی برای عدّه‌ای بوده است! مثل خیلی از کارهای دیگر! بسیاری از رفتارهای روزگار ما، پروژه‌ی عدّه‌ای است، و انسان‌ها را با یکدیگر مشغول می‌کنند.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

ایمان و حبّ، چگونه بوجود می‌آیند؟

از آنطرف ایمان یک امر تکلیفی نیست، حبّ هم یک امرِ تکلیفی نیست، یعنی اینطور نیست که بگوییم باید چیزی را دوست بدارید یا باید به چیزی ایمان بیاورید. برای همین «جَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ»،[۴] یقین دارد ولی انکار می‌کند و به آن ایمان نیاورده است.

گاهی منافق یقین دارد اما ایمان ندارد، چون حتّی یقین که بالاترین علم است، نمی‌تواند ایمان درست کند.

ایمان از کجا بوجود می‌آید؟ ایمان یک حالتِ نفسانی است!

یکی از مهم‌ترین جاهایی که ایمان از آنجا بوجود می‌آید «حبّ» است، که خود آن حبّ هم به زور نیست.

می‌شود کاری کرد که محبّت ایجاد شود، اما خودِ آن حبّ با زور نیست؛ آنوقت همه‌ی دین هم در همان محبّت است.

آن بچه‌ای که فلان فوتبالیست را دوست دارد و ساعت خود را کوک می‌کند که نیمه شب بلند شود تا بازی او را دنبال کند، با «قَالَ رَسُولُ الله» این کار را نمی‌کند، دوست دارد، دوست دارد که وقت خود را با او صرف کند، با خیال او زندگی می‌کند، کارتی که عکس آن فوتبالیست روی آن است را در جیب خود نگه می‌دارد، گفتگوی این شخص از اوست، چرا؟ چون یک جمال و یک تفوّقی در او دیده است.

لذا بسرعت اگر یک باجمال‌تری و کسی که با تفوّق بیشتری باشد پیدا کند، نفر اول را به نفر دوم می‌فروشد!

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

این جریان خیانت‌های مرد و زن به یکدیگر، چه در دوره‌ی رفاقت، چه در دوره‌ی ازدواج، همینطور است. وقتی به یک بُعد نگاه می‌کند، یک جمالی می‌بیند، یک توجّهی می‌بیند، یک نوع تفوّقی می‌بیند، وقتی اینطور باشد، خیلی طبیعی است که جمال بیشتر و تفوّق بالاتر، حتما باعث رها کردن این شخص و به سراغ آن شخص رفتن خواهد شد.

این امر کاملاً طبیعی است، اصلاً نباید غیر از این باشد، مگر اینکه یک موضوع دیگری درمیان باشد.

اهمیّت بیان فضیلتِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

لذا یکی از کارهایی که اهل بیت سلام الله علیهم أجمعین خیلی انجام داده‌اند، این بود که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را مدح کرده‌اند، مدحِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه یعنی بیان جمال و تفوّق او.

اگر کسی این جمال و تفوّق را بیابد، او را دوست می‌دارد؛ و چون مثل و رقیب ندارد و محدود به زمان و مکان و مرزی هم نیست، محدود به دنیا و برزخ نیست...

هیچ کسی سکه‌ی طلایی که در دست دارد را با سکه‌ی نقره عوض نمی‌کند، چون می‌داند طلا بر نقره تفوّق دارد، مگر با یک سکه‌ی باارزش‌تری عوض کند.

لذا اینکه ما در روایات این همه مدح اهل بیت سلام الله علیهم أجمعین داریم و اینقدر ما را به گفتن توصیه کرده‌اند، «مَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقِرّاً بِهَا»[۵] کسی که فضیلتی از فضائل او را بیان کند، در حالی که خودش باور دارد، «غَفَرَ اَللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» خدا گناهان گذشته‌ی

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

او را می‌آمرزد، هم بعض از آن گناهان گذشته پیامد و امتداد دارد، خدای متعال از آن پیامدها و امتدادها می‌گذرد، «وَ لَوْ وَافَى اَلْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ اَلثَّقَلَيْنِ» ولو وقتی وارد محشر می‌شود، بار گناهان او محشر را پُر کند.

این روایات فراوان است که به ذکر فضائل تشویق می‌کنند.

خود این روایات می‌گویند بیان کن، وقتی کسی مدام می‌گوید، وقتی آن زیبایی را می‌بیند بمرور باور می‌کند، آن زیبایی اثر وجودی است، با او ارتباط می‌گیرد، چون بالاتر از جمال و تفوّق او وجود ندارد، این امر هم تکرار می‌شود.

بعد پیشنهاد می‌کند و می‌گوید بشنوید، «مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ»... لازم نیست شما فلان خطاط یا فلان منبری باشید، بگو، ولو اینکه شما یک استوری منتشر کنید، بگو، ولو اینکه شما یک کانال کوچک داری و آنجا منتشر می‌کنی، بنویس ولو بالای دفترچه‌ی خودت، «مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ لَمْ تَزَلِ اَلْمَلاَئِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِتِلْكَ اَلْكِتَابَةِ رَسْمٌ» تا زمانی که اثر این نوشته موجود است، ملائکه برای شما استغفار می‌کنند.

هرچه تفوّق ببینید، ولع شما بیشتر می‌شود، این فضیلت‌ها جزو تفوّقات امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است.

ای اباذر! علی [علیه السلام] را دوست بدار...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به جناب ابوذر سلام الله علیه می‌فرماید: «يَا أَبَاذَر، حِبَّ عَلِياً مُخلِصاً»،[۶] علی را دوست بدار.

چطور؟ یعنی برو و به اندازه‌ای که می‌توانی او را بشناس و در راه او قدم بردار.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

اگر در هر دِهی یک ایستگاه صلواتی بزنند و مثلاً بیست سال پابرجا باشد، به یک سنّت تبدیل می‌شود، وقتی نسل عوض شود، دیگر تعصّب آن را می‌کشند.

انسان برای کاری که زحمت کشیده است، ارزش قائل است.

دلبستگی به نقاشی که با شن در عرض بیست دقیقه کشیده شود و با یک فوت از بین برود، با دلبستگی به یک خط ثلث قابل قیاس نیست که خطاط فقط سه ماه آن را دورگیری می‌کند.

الآن در حرم حضرت رضا علیه السلام این خط هست که «بایسُنقُر» مغول در سال ۸۲۶ کتیبه نوشته است و ورودی ایوان مقصوره‌ی مسجد گوهرشاد موجود است، و همچنین قرآنی هم نوشته است که خیلی بزرگ است و در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. فقط سه ماه زحمت کشیده است که دور خط را صاف کند!

مسلماً انسان دیگر از این هنر مراقبت می‌کند!

اگر شما بخواهید حبّ خودتان را تقویت کنید، باید در راه آن حبّ خودتان خرج کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍ! مَن هَذَا المُقبِل؟» آن کسی که می‌آید کیست؟ ابوذر عرض کرد: «عَلِيٌّ يَا رَسُولَ الله» علی است یا رسول الله!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍ! أَتُحِبُّهُ؟» آیا علی را دوست داری؟

ابوذر عرض کرد: «إِی وَاللهِ يَا رَسُولَ الله!» بله بخدا!

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

وقتی انسان کسی را دوست بدارد، متعلّقات او را دوست دارد.
عجیب است که ما اینطور نیستیم و شیعیان امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در بعضی جاها خوب عمل نمی‌کنند...
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍ! أَتُحِبُّهُ؟» آیا علی را دوست داری؟
ابوذر عرض کرد: «إِی وَاللهِ يَا رَسُولَ الله!» بله بخدا! «إِنِّی لَأُحِبُّهُ» هم خیلی علی را دوست دارم «وَ أُحِبَّ مَن يُحِبُّهُ» اگر بفهمم کسی هم علی را دوست دارد، او را هم دوست دارم.
این از علامتِ صدقِ حبّ است، من زمانی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست دارم که شیعیانِ حضرت را دوست بدارم.
ابوذر عرض کرد: من هم خودِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست دارم و هم هر کسی که ایشان را دوست بدارد را دوست دارم.
اینجا طبعاً باید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مرحله‌ی بعد را بفرمایند، اما مرحله‌ی بعد در کار نیست، مرحله‌ی بعد «تقویت کیفیت» همین موضوع است.
برای همین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «يَا أَبَاذَرٍ، حِبَّ عَلِياً»، علی را دوست بدار!
یعنی اگر تا دیروز مال خودت را برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه خرج می‌کردی، از امروز جان و وقت خودت را هم برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه خرج کن.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

من می‌گویم که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست دارم، ولی حاضر نیستم در طول روز حتّی ده دقیقه هم راجع به او مطالعه کنم، حاضر نیستم پنج دقیقه به یک شیعه‌ی او خدمت کنم؛ پس این حبّ کمی است.

وقتی ابوذر عرض کرد که من هم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست دارم و هم هر کسی که ایشان را دوست دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «يَا أَبَاذَر، حِبَّ عَلِياً وَ حِبَّ مَن أَحَبَّهُ»!

همانطور که می‌دانید در روایت هست که آسمان صادق‌تر از ابوذر به خودش ندیده است.

اینجا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نخواست بفرماید که تو خلاف می‌گویی، اما یعنی ای ابوذر! حال که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و محبّان او را دوست داری، مرحله‌ی بعد «حبّ شدیدتر» است، برای حبّ شدیدتر باید چکار کنی؟

زن و شوهرهایی که با یکدیگر اسلامی زندگی می‌کنند، حتّی سنّتی ازدواج کرده‌اند و از روز اول اصلاً یکدیگر را نمی‌شناختند، هرچه می‌گذرد، چون بیشتر به یکدیگر محبّت می‌کنند، محبّت‌شان شدیدتر است، رابطه‌شان عمیق‌تر است، وابستگی‌شان هم بیشتر است و مدام بیشتر می‌شود و اشتداد پیدا می‌کند.

وقتی ابوذر عرض کرد که من هم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست دارم و هم هر کسی که ایشان را دوست دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «يَا أَبَاذَر، حِبَّ عَلِياً وَ حِبَّ مَن أَحَبَّهُ»!

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این مرحله اینطور فرمود: «فَإنَّ الحِجَابَ الَّذِی بَینَ العَبدِ وَ بَینَ اللهِ تَعالی» پرده و مانعی و هر چیزی که بین عبد و خداست، که وقتی عبد می‌خواهد دعا کند، باعث می‌شود که دعا مستجاب نشود، «فَإنَّ الحِجَابَ الَّذِی بَینَ العَبدِ وَ بَینَ اللهِ تَعالی حُبُّ عَلِیّ بنِ أبِیطَالِب»، اگر تو علی را دوست بداری، مستجاب الدّعوه هم می‌شوی.

معلوم است که این موضوع اشتداد دارد.

دوباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌خواهد یک توصیه کند، دوباره فرمودند: «یَا أبَاذَر، حِبَّ عَلِیاً مُخلِصاً»، علی را دوست بدار، بدون توجّه به اینکه چیزی به تو می‌دهد یا نمی‌دهد، بدون اینکه تو را در جامعه بالا می‌برند یا پایین می‌آورند، تو را می‌زنند یا از تو تقدیر می‌کنند؛ علی را بخاطر علی دوست بدار.

«فَمَا مِن إمرِءٍ أحَبَّ عَلِیاً مُخلِصاً وَ سَئَلَ اللهَ تَعَالَی شَیءً إلّا أعطَاهُ» اگر اینطور بشوی، اگر مصلحت باشد، خدا درخواست‌های تو را حتماً عطا می‌کند، «وَلَا دَعَا اللهَ إلّا لَبّاه» هر مرتبه که «یا رَبّ» بگوید، خدا به او لبّیک می‌گوید.

این به حرمت آن محبّت است، چون با امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نسبتی پیدا کرده‌ایم و محبّ علی شده‌ایم؛ قیمتِ محبّ علی، از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است.

مثل اینکه شما به دیدار من بیایید، این شخص با زائر الامام الحسین علیه السلام چقدر فاصله دارد؟ واضح است که قابل قیاس نیست. این شخص هم محبّ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

ابوذر گفت: «يَا رَسُولَ اللهِ! إِنِّی لَأَجِدُ حُبَّ عَلِیّ بنِ أَبِیطَالِب عَلَی کَبِدِی کَبَارِدِ المَاء» وقتی اسم علی می‌آید، انگار که جگرم خنک می‌شود! «أَو کَعَسَلِ النَّحل» یا مانند شیرینیِ عسل، «أَو کَآیَةٍ مِن کِتَابِ اللهِ أَتلُوهَا»، همانطور که وقتی آیه‌ای از آیات خدای متعال را می‌خوانم و لذّت می‌برم...

ان شاء الله خدای متعال سلمان را رحمت کند که اینقدر کلاس او بالاست، چون امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آیت الله العظمی است!

ما اصلاً با غیر از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به کسی حقیقتاً آیت الله العظمی نمی‌گوییم، تسامحی می‌گوییم، یعنی بعنوان لقب می‌گوییم، کمااینکه در تبلیغ‌ها می‌نویسند «سخنران: حجت الاسلام کاشانی»؛ این دروغ است!

«آیت الله العظمی» برای غیر از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه «لقب» است، بصورت حقیقی برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه استفاده می‌کنیم که در زیارتنامه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا آیَةَ اللَّهِ الْعُظْمَی»،[۷] خود امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هم قسم خورده‌اند و فرموده‌اند: «وَاللهِ مَا لِلَّهِ آیَةٌ هِیَ أَکبَرٌ مِنِّی» هرچه بگردید، آیتی بزرگتر از من پیدا نمی‌کنید!

همین موضوع باعث تفوّق است، برای همین هم باید از او بگویید، چون فرامرزِ فرازمانِ فرامکان است، تمام نمی‌شود.

لذا تا می‌توانید از او ببینید.

خدا شاهد است که هر کسی برود و در این زمینه کار کند، این موضوع را در وجود خود می‌یابد.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

شما زیاد فضیلتِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شنیده‌اید، شاید بنده بیشتر، چون مدام گفته‌ام، ولی حتّی گاهی شده است که مثلاً با دوستان کتابخانه، وقتی حالمان گرفته است، مثلاً یک روایت را دوباره می‌خوانیم؛ چون راجع به آیت خداست، آیت خدا پُرفروغ است، تمام نمی‌شود، یک حقیقت است. شما هر مرتبه‌ای که از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه حرف بزنید، یک تذکّر است که آن کسی که مراقب تو است علی است؛ هرچه از او بگویند، پشت شما گرم است. این ثروتی است که مدام رو به ازدیاد است، نه تورّم ذهنی. این دلار صد هزار تومانی، اگر صد میلیون تومان هم شود... بالاخره روزی این اتفاق قطعی رخ خواهد داد، زمانی این کشور مستکبر سقوط می‌کند، یا به دست امام زمان ارواحنا فداه و یا به دست سربازان امام زمان ارواحنا فداه، آن روز آن کاغذ با این کاغذی که در دست من است هم قابل قیاس نیست، چون در این کاغذِ من فضیلتِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هست، یک شیعه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه یک فضیلتِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نوشته است، این دو وجه دارد، اما آن کاغذ بعد از سقوط آن حکومت پشیزی ارزش ندارد و اعتبار آن ساقط می‌شود.

اما امیرالمؤمنین صلوات الله علیه افول نمی‌کند، بلکه هرچه جلو برود، فهم‌ها بیشتر متوجّه می‌شوند که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه تمام‌شدنی نیست. بلکه انسان‌ها بعد از مدّتی، با حسرت... آن روزی که سلطنت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را در قیامت می‌بینند، همه با همه‌ی وجود می‌گویند «هرچه گفتیم جز حکایت دوست، در همه عمر از آن پشیمانیم»، همه پشیمان هستند، جز آن کسانی که بر سرِ سفره‌ی آن کسی نشسته‌اند که

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

برگ آن فقط در دنیا اعتبار ندارد. در لحظه‌ی مرگ که لحظه‌ی بیچارگی هم هست قیمت دارد، جناب ملک الموت هم امضای ایشان را روی چشم خود می‌گذارد، اسم ایشان در برزخ هم خریدار دارد؛ از اعتبار نمی‌افتد، قیامت هم همینطور، بلکه برای اولیای خدا رشد کرده‌اند، پذیرایی در بهشت هم این است که از او اسم ببرند.

هرچه او مدح شود تمام نمی‌شود، باور به او هم تشدید می‌شود.

لذا ما حداقل مانند آن نوجوانی که اخبار آن فوتبالیست را دنبال می‌کند، باید اخبار این خبر بزرگ را دنبال کنیم، یا برویم و یک خبر بزرگ پیدا کنیم. اینجا جایی نیست که بگوییم فقط امیرالمؤمنین صلوات الله علیه؛ بگردید و ببینید اگر کس دیگری را پیدا کردید، به او رجوع کنید.

علّت جسارت به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

این جهتِ این امر است که اینقدر به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه جسارت می‌کردند، روزی کسی چیزی گفت و مروان گفت: بله! علی اینطور بود. آن شخص گفت: پس چرا اینقدر روی منبر به او جسارت می‌کنید؟ مروان گفت: اگر به علی جسارت نکنیم...

فحش دادن برای چیست؟ همانطور که می‌دانید اگر روی منبر کسی را لعن کنند و مستمع هم همراهی کند، باید از آن فرد بیزار باشند، وگرنه اگر گوینده لعن کند و مستمع قبول نداشته باشد که واکنش نشان می‌دهد و همراهی نمی‌کند.

چرا بنی امیّه باید امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را نستجیربالله لعن می‌کردند؟ چون باید او را از محبوبیت می‌انداختند، چون اگر علی محبوب

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

باشد که کسی به سراغ دیگری نمی‌رود و بنی امیّه و بنی عبّاس نمی‌تواند سرپا بایستد، لذا شروع کردن به تخریب امیرالمؤمنین صلوات الله علیه. در جاهایی هم موفق بودند.

همانطور که جلسات قبل عرض کردم، ممکن است عوامی هم که از چیزی خبر ندارند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را اینطور مانند من و شما دوست نداشته باشند، البته محبّتِ ما هم محبّتِ زیادی به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به ابوذر که مرحله‌ی اول عرض می‌کند «إِنِّی لَاُحِبُّهُ وَ اُحِبَّ مَن یُحِبُّهُ»، دو مرتبه‌ی دیگر هم می‌فرماید که «یَا أَبَاذَر، حِبَّ عَلِیاً»! یعنی مدام بیشتر بالا برو.

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آیت الله العظمی است، در مورد آیات خدا می‌گویند بخوان و بالا برو. شما هرچه از این آیت عظمی بخوانید، مدام بالا می‌روید، ولی افق او آنقدر بالاست که موقف و ایستگاه و توقفگاه ندارد، بخوان و برو، هرچه بروی هست.

لذا باید با امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مخالفت و دشمنی می‌کردند.

آنقدر به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه جسارت و توهین کرده بودند، اگر به من بگویند در دوره‌ای که کتاب خواندی، مثلاً پنج خاطره‌ی تلخ از بیست و پنج سال اخیر بگو، یکی از آن‌ها این است که یک روایت در کتب غیرشیعه است که سند آن هم برایشان معتبر است، می‌گوید نشسته بودیم و از علی بد می‌گفتند، من خواستم دفاع کنم دیدم علی جای دفاع ندارد، یعنی آنقدر علی را تخریب کرده‌اند که من هرچه بگویم یک فحش دیگر هم می‌گویند،

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

در نهایت گفتم آیا نشنیده‌اید که پیامبر گفته است که به مرده‌ها فحش ندهید؟ گفتند: چرا! گفتم: خب او هم از دنیا رفته است.

لذا کسی که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست دارد، باید محبّت او را جار بزند، بگونه‌ای که دیگران هم بتوانند او را دوست بدارند، باید سفره را پهن کند، لج کسی را هم درنیاورد، اگر کسی مانع یا مشکلی دارد، مانند اینکه میهمانی را دعوت می‌کنید که معده‌ی او توانایی خوردن هر غذایی را ندارد، مراعات میهمان را می‌کنیم، می‌گوییم ببینید این میهمان چه چیزی میل دارد؟ از زاویه‌ای ورود کنیم که او هم بتواند همراه شود. أقل این است که کسی که مانع جدّی ندارد و خودش مرض ندارد و عارضی است و شخص دیگری جلوی چشم و گوش او را گرفته است، بتواند همراه شود.

لذا آنقدر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را تخریب کرده بودند، «جاحظ» می‌گوید کار به جایی رسیده بود که اگر کسی به حکومت می‌رسید و علی را فحش نمی‌داد، او را مدح می‌کردند!

جاحظ سال ۲۵۵ مُرده است، می‌گوید: «وَلیتَ فَلَمْ تَشتُمْ علیاً»[۸] اینکه تو حاکم شدی و علی را فحش ندادی، یعنی خیلی تقوا داری!

آثار آن همه تخریب هنوز هست، هنوز وقتی مسلمین بی‌پناه می‌شوند و به آن‌ها ظلم می‌شود، همه به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه استغاثه نمی‌کنند و محروم هستند، و ما هم نمی‌دانیم که آیا حجّت بر این‌ها تمام شده است یا نه؛ شاید خدای متعال خواسته است که روزی ما شود.

یک بخش گفتن است و یک بخش هم عمل کردن.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

در مجاورت با غیرشیعیان چه کنیم؟

اگر شما کارگر غیرشیعه دارد، اگر همسایه‌ی غیرشیعه دارید، اگر با یک غیرشیعه مراوده دارید، او امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را در قامت و رفتار شما می‌بیند، امیرالمؤمنینِ او، عمل شماست!

اگر ببیند که شما با او مهربان و ایثارگر هستید و خیر و مصلحت او را می‌خواهید و هوای او را دارید و حقوق او را رعایت می‌کنید، او می‌فهمد که امیرالمؤمنینِ شما با معاویه‌ی او تفاوت دارد؛ وگرنه باید حق داد که باور نکند، می‌گوید این ادّعاست و «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ».[۹]

ما از حقیقتِ مکتب گفته‌ایم، اما در رفتار... چند جلسه عرض کردیم که حتّی اگر کسی با ما بدرفتاری کند، شیعه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه با او بدرفتاری نمی‌کند، در مراوده و تعایش و زندگی و هم‌زیستی و...

امام صادق علیه السلام فرمودند اگر یک شیعه در قوم و قبیله‌ای هست، باید او از همه بهتر و خوش‌اخلاق‌تر و خوش‌رفتارتر و صادق‌تر باشد، باید بیشتر از همه اهل وفای به عهد باشد، باید از همه امانتدارتر باشد...

تا آن‌ها باور کنند، وگرنه باور نمی‌کنند، اگر شما باور دارید آن چیزی که در دست دارید طلاست، مسلماً آن را با هر چیزی عوض نمی‌کنید.

اولین قدمِ صدقِ در محبّت

کسی که باور دارد آن کسی را که دوست دارد با هیچ کسی قابل قیاس نیست، و او را حیّ می‌بیند، می‌گوید من غلام تو هستم.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

ما به حرم می‌رویم می‌گوییم: «عَبدُکَ بِبَابِک، عَبدُکَ وَابنُ عَبدِک»، آیا حقیقت می‌گویم یا نه؟ اگر من نسبت به کسی که قدری پول یا قدرت یا مکنتی دارد خضوع و خشوع اضافه می‌کنم و دست و دل من می‌لرزد، دروغ می‌گویم که «عَبدُکَ بِبَابِک، عَبدُکَ وَابنُ عَبدِک».

اولین قدم این است که عبدِ درِ خانه‌ی مولا، باید از بقیه بی‌نیاز باشد، نباید به بقیه چشم بدوزد.

ان شاء الله خدای متعال میرزای شیرازی را رحمت کند، سفیر بریتانیای کبیر آمد و یک چک صد هزار لیر (سکه‌ی طلا) نوشت و گفت این برای کمک به محرومین تشیّع است؛ میرزای شیرازی از زیر تشک خود یک چک صد هزار لیری درآورد و روی آن چک قرار داد و گفت: هر دو را به فقرای بریتانیا بدهید؛ ما از شما پول نمی‌خواهیم، دست ما در جیبِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است.

اولین قدمِ صدقِ این محبّت، حسِ بی‌نیازی است، اگر نیست، یعنی هنوز آن محبّت نیست.

قیمتِ حبّ اهل بیت سلام الله علیهم أجمعین

«اعمَش» می‌گوید در مسیر حج بودم، زنی را دیدم که نابینا بود، دعا می‌کرد و در دعای خود اینچنین عرض می‌کرد: «يَا رَادَّ اَلشَّمْسِ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»[۱۰] ای خدایی که خورشید را بر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه برگرداندی «بَعْدَ مَا غَابَتْ» بعد از اینکه غروب کرده بود، (به حدیث رد شمس اشاره می‌کند) «رُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي» چشم من را هم برگردان.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

یعنی کسی که شیعه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است را هر کار کنید، بر سر سفره‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه برمی‌گردد.

اعمش می‌گوید من از این دعای او خیلی مبهوت شدم و لذّت بردم.

(بعضی قائل هستند که این دعا برای درمان چشم مؤثر است)

اعمش می‌گوید: «فَأَعْجَبَنِی کَلَامُهَا، فَأَخْرَجْتُ دِینَارَیْنِ»، خیلی پول بهمراه خود نداشتم، دو دینار (یعنی دو مثقال طلا) به او دادم. «فَلَمَسَتْهُمَا بِیَدِهَا»...

شیعه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اینطور است، اول فهمید چیست، یعنی متوجه شد طلاست، «فَلَمَسَتْهُمَا بِیَدِهَا ثُمَّ طَرَحَتْهُمَا فِی وَجْهِی» اول متوجه شد طلاست، بعد آن را پرت کرد!

«وَ قَالَتْ: یَا رَجُلُ أَذْلَلْتَنِی بِالْفَقْرِ» گفت: ای مرد! می‌خواهی مرا فقرم ذلیل کنی؟ «أُفٍّ لَکَ»!

ان شاء الله خدای متعال روزی کند که ما هم راست بگوییم...

«إِنَّ مَنْ تَوَلَّی آلَ مُحَمَّدٍ لاَ یَکُونُ ذَلِیلاً» کسی که حبّ اهل بیت سلام الله علیهم أجمعین دارد ذلیل نمی‌شود...

دل من به تو و سکه‌ی تو بند نیست! او غنی است، اگر بخواهد عطا می‌کند، من هم دعا می‌کنم، اما راضی هستم، چون مولای من که حاکمِ ظالم نیست، مولای من هم مهربان است و هم توانست و هم به حال من داناست و هم اگر بخواهد کاری کند، می‌تواند انجام دهد، هم به دنبال این است که من رشد کنم. من دعا می‌کنم، اما اگر نخواهد، می‌دانم خیرِ من در این موضوع بوده است.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

اگر امام بخواهد...

کمااینکه در برخی روایات «توحید» شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه هست که روزی ابوبصیر (یعنی روشندل) به محضر حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: آن چه چیزی بود که حضرت موسی [علی نبیّنا و آله و علیه السلام] به خدا عرض کرد که من می‌خواهم ببینم، و خدا فرمود «لَنْ تَرَانِی»؟[۱۱]

در «توحید» شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه هست که ظاهراً حضرت صادق علیه السلام دست خود را تکان داد، ابوبصیر گفت: دیدم!

البته این بدین معنا نیست که ابوبصیر از حضرت موسی علی نبیّنا و آله و علیه السلام بالاتر است، او به عنایت امام دید؛ نه خودش.

امام نه تنها خودش اهل کرامت است، که اگر اراده کند می‌تواند چشم شما را باز کند، اگر امام این شب‌ها بخواهد، می‌تواند جذبه‌ای از طرف حضرت حق به دل شما بیندازد که شوق نماز در شما بیشتر شود، حال عبادت در شما بوجود بیاید.

ان شاء الله خدای متعال روزی کند که ما اهل نماز اول وقت شویم، نماز اول وقت خیلی مهم است...

اگر بخواهند به انسان حالِ نماز شب می‌دهند، اگر کسی چشم خود را کنترل کند و نماز اول وقت بخواند، به او نماز شب می‌دهند.

یک مسیر مسیرِ افتان و خیزان رفتن است که وظیفه‌ی ماست و باید برویم، اما اگر اراده کند، برقی به دلِ شما می‌اندازد که شما سِیر می‌کنید.

اینجا حضرت صادق علیه السلام اراده کرد و ابوبصیر گفت: دیدم!

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

بعد حضرت شاید دوباره دست خود را تکان داد و ابوبصیر دوباره به حالت قبل برگشت؛ اعتراض هم نکرد.

این موضوع یعنی ای ابوبصیر! تو الآن در این دنیا باید نبینی.

چه کسی این حرف را می‌زند؟ آیا یک ظالم یا یک خسیس یا یک ناتوان؟ نه! هم کریم است و هم علیم است و هم قدیر است، اما تو باید فعلاً اینطور زندگی کنی.

نمره‌ی ابوبصیر آنجایی است که بعد از دیدن، به حالت عادی بازگشت؛ اما صدای او درنیامد و اعتراضی نکرد.

وقتی محبّت شدید باشد، نیازی به روضه‌ی باز نیست!

اگر محبّت شدید باشد، دیگر لازم نیست برای انسان روضه‌ی باز بخوانند، وقتی محبّت شدید باشد... اگر مادر ببیند فرزند او در حال راه رفتن، فقط حالت افتادن پیدا کند، حتّی اگر آن بچه نیفتد، باز هم دلِ آن مادر می‌رود... حتماً نباید بچه‌ی او آسیب ببیند.

کمااینکه شیخ عبدالحسین أعصم در آن قصیده‌ی عجیب و غریب خودش، روضه‌ی امام حسین علیه السلام می‌خواند و خطاب او غایب است، می‌گوید که با او چه کردند و چه کردند و چه کردند، بعد به جایی می‌رسد و می‌گوید: ای کاش آن تیری که به قلب تو زدند را به من می‌زدند... نمی‌تواند تحمّل کند...

هرچه محبّت شدیدتر باشد، تحمّل کمتر می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در حال رد شدن بودند که دیدند صدای گریه‌ی امام حسین علیه السلام از خانه‌ی حضرت فاطمه زهرا سلام

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

الله علیها می‌آید، وارد خانه شدند، گویی که از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها غضبناک بودند، البته واضح است که غضبناک نبودند، شبه‌مغضب بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آنقدر به سیّدالشّهداء صلوات الله علیه محبّت داشت که نتوانست صدای گریه‌ی او را در آغوش مادرش تحمّل کند، لذا به خانه آمد و به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: «أَلَم تَعلَمِی أنَّ بُکَائَهُ یُؤذِینِی»[۱۲] مگر نمی‌دانی که گریه‌ی حسین مرا اذیت می‌کند؟...

در حالی که امام حسین علیه السلام در آغوش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است، بهترین مکان برای بچه، آغوشِ مادر است...

هرچه محبّت شدیدتر باشد، تحمّل کمتر است.

حال شما ببینید در آن ماجرای هجوم، بین امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها چه رخ داد و چه کشیدند. در عالم هیچ محبّتی به آن عمیقی نبوده است.

لذا شاعری ابتدا مصائب صدیقه طاهره سلام الله علیها و کشته شدنِ حضرت محسن علیه السلام و... را یک به یک می‌گوید، بعد می‌گوید: «وأشدُّ مِن هذا عَلَیکِ کآبَةً» شدیدتر و سوزناک‌تر از همه‌ی بلاهایی که بر سر تو آوردند «أن تَنظُرِیهِ مُلَبَّباً وَ یَرَاکِ» این بود که دیدی دستِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را بسته‌اند و با امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چشم در چشم شدی...

خدای متعال این دین را بر اساس محبّت درست کرده است...

توسّل به امام رضا علیه السلام

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

برای من که یقین است، هرچه به ما خیر برسد، از صدقه سرِ امام رضا علیه السلام است، و برای من یقین است که بیچاره‌ترین آدم‌هایی مثل من هم، اگر بروند و از امام رضا علیه السلام چیزی بخواهند، امام رضا علیه السلام فوق تصوّرشان عطاء می‌کند. امام رضا علیه السلام کریم‌تر از آن است که بیچارگیِ میهمان را به روی او بیاورد...

«یَا أَبَالحَسَن، یَا عَلِیّ بن مُوسَی، ضَیفُکَ بِبَابِک»... قبل از شب‌های قدر به درِ خانه‌ی شما آمدیم... «عَبدُکَ وَابنُ عَبدِک وَابنُ عَمَتِک»... الحمدلله پدر و مادرم هم با افتخار، نوکر و کنیز شما هستند، اگر شما بپذیرید... گرفتاری ما در این است که آیا شما می‌پذیرید یا نه؟ ما با این جمله برای خودمان افتخار می‌کنیم، وگرنه هیهات که کسی مثل من عبدِ تو باشد! شأن شما أجلّ است، دامان شما پاک‌تر از آن است که دستِ کثیفِ من به دامان شما برسد و بخواهد دامان شما را بگیرد، البته شما کریم هستید.

امام صادق علیه الصلاة والسلام خیلی دلسوز شیعیان بوده است.

خدای متعال به هر امامی بشارتی داده است، به امام رضا علیه السلام فرموده است که چشم تو را با پسرت «محمد بن علیٍ الجواد» روشن می‌کنم.

خدای متعال به امام صادق علیه السلام فرموده است: روز قیامت چشم تو را با تحویل گرفتن شیعیانت روشن می‌کنم.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «یُقْتَلُ حَفَدَتِی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ»[۱۳] نوه‌ی مرا در خراسان می‌کشند، «عَلَی فَمَنْ زَارَهُ فِی غُرْبَتِهِ» کسی که در غربت او به زیارت او برود، من تضمین می‌کنم، «أَخَذْتُهُ بِیَدِی یَوْمَ اَلْقِیَامَةِ»، روز قیامت اگر دهان شما بسته است و نمی‌توانید صدا

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

بزنید، نمی‌خواهد شما صدا بزنید، من می‌آیم و زائران علی بن موسی الرضا علیه السلام را یک به یک پیدا می‌کنم، «أَخَذْتُهُ بِيَدِي يَوْمَ اَلْقِيَامَةِ وَ أَدْخَلْتُهُ اَلْجَنَّةَ» او را وارد بهشت می‌کنم.

نه اینکه آن‌ها اهلِ پارتی‌بازی باشند، یعنی اگر شما می‌خواهید به کمال برسید، زیارتِ علی بن موسی الرضا سلام الله علیه اقتضای این را دارد که شما به هر چیزی که باید برسید، برسید.

ان شاء الله خدای متعال روزی کند که هر وقت ما به محضر علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌رویم، با همه‌ی بیچارگی‌مان برویم، و خدای متعال علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه را به فریاد ما برساند.

به محضر باعظمت امام رضا علیه السلام صلواتی عنایت بفرمایید.

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

[۱] سوره مبارکه غافر، آیه ۴۴.

[۲] سوره مبارکه طه، آیات ۲۵ تا ۲۸.

[۳] الصّحیفهٔ السّجّادیّهٔ، ص ۹۸.

[۴] سوره مبارکه نمل، آیه ۱۴ (وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ)

[۵] تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، جلد ۱، صفحه ۸۴۴ (لِمَا ذَكَرَهُ اَلْخُوَارِزْمِيِّ فِي كِتَابِ اَلْأَرْبَعِينَ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ عَنِ اَلْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ رَسُولِ اَللَّهِ صَلَوَاتُ اَللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اَللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لاَ تُحْصَى عَدَدُهَا كَثْرَةً فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقِرّاً بِهَا غَفَرَ اَللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ وَافَى اَلْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ اَلثَّقَلَيْنِ وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ لَمْ تَزَلِ اَلْمَلاَئِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِتِلْكَ اَلْكِتَابَةِ رَسْمٌ وَ مَنِ اِسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اَللَّهُ لَهُ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالاِسْتِمَاعِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابٍ فِيهِ فَضَائِلُهُ غَفَرَ اَللَّهُ لَهُ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ.)

[۶] اعلام الدین، صفحه ۱۳۶ (وروى جابر بن عبد الله الأنصارى،عن أبى ذر قال: كنت جالساً عند النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله فى المسجد ، إذ أقبل على عليه‌السلام ، فلما رآه مقبلاً قال : « يا باذر ، من هذا المقبل؟» فقلت:على، يا رسول الله. فقال : «يا أباذر ، أتحبه؟» فقلت : أى¬والله يا

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

رسول الله إنی لأحبه، وأُحب من یحبه. فقال:«یا اباذر،حب علیاً،وحب من أحبه،فإن الحجاب الذی بین العبد و بین الله تعالی حب علی بن أبی طالب علیه‌السلام. یا اباذر، حب علیاً مخلصاً ، فما من امرىء أحب علیاً مخلصاً ، و سأل الله تعالی شیئاً إلاّ أعطاه ، ولادعا الله إلا لبّاه». فقلت: یا رسول الله ، إنی لأجد حب علی بن أبی طالب علی کبدی کبردالماء ، أوکعسل النحل ، أوکآیه من کتاب الله أتلوها، وهو عندی أحلی من العسل. فقال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله:«نحن الشجره الطیبه ، والعروه الوثقی ، ومحبونا ورقها ، فمن أراد الدخول إلی الجنه، فلیستمسک بغصن من أغصانها». و روی حذیفه بن الیمان، عن الحسن علیه‌السلام قال:« إن الله تعالی أوحی إلی: یا أخا النبیین، یا أخا المرسلین، یا أخا المنذرین ، أنذر قومک: ألاّ یدخلوا بیتاً من بیوتی إلاّ بقلوب سلیمه ، وألسن صادقه ، وأید نقیه ، وفروج طاهره، ولا یدخلوا بیتاً من بیوتی ولأحد عندهم مظلمه، فإنّی ألعنه مادام قائماً بین یدی یصلی ، حتی یرد تلک المظلمه إلی أهلها ، فأکون سمعه الذی یسمع به، وأکون بصره الذی یبصر به، ویکون من أولیائی وأصفیائی ، ویکون جاری مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین) و همچنین الأمالی للصدوق، صفحه ۱۰۷ (عن أبی ذر جندب بن جناده (رضی الله عنه)، قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله) یقول لعلی (علیه السلام) کلمات ثلاث، لان تکون لی واحده منهن أحب إلی من الدنیا و ما فیها، سمعته یقول: — اللهم أعنه واستعن به — اللهم انصره وانتصر به — فإنه عبدک و أخو رسولک.)

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

[۷] زیارت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در هفدهم ربیع الأول

[۸] تاریخ الإسلام – ت بشار ، جلد ۳ صفحه ۱۴۴

[۹] سوره مبارکه روم، آیه ۳۲ (مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا ۖ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ)

[۱۰] الأربعون حديثا عن أربعين شيخا من أربعين صحابيا فى فضائل الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، جلد ۱ ، صفحه ۷۷ (أَخْبَرَنَا اَلسَّيِّدُ اَلْأَصِيلُ أَبُو حَرْبٍ اَلْمُجْتَبَى بْنُ اَلدَّاعِي بْنِ اَلْقَاسِمِ اَلْحَسَنِيُّ رَحِمَهُ اَللَّهُ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ. حَدَّثَنَا اَلشَّيْخُ اَلْمُفِيدُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اَلرَّحْمَنِ بْنُ أَحْمَدَ اَلْوَاعِظُ : أَخْبَرَنَا اَلْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ اَلْحَسَنِ اَلْخَطِيبُ ، بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي ذِي اَلْقَعْدَةِ، سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلاَثِينَ وَ أَرْبَعمِائَةٍ . حَدَّثَنَا اَلشَّرِيفُ أَبُو عَقِيلٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلْعَلَوِيُّ اَلْعَبَّاسِيُّ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرٍ اَلصَّوْلِيُّ بِبَغْدَادَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى اَلْأَنْبَارِيُّ : حَدَّثَنَا اِبْنُ أَبِي غَرَزَةَ عَنْ وَكِيعٍ عَنِ اَلْأَعْمَشِ ، قَالَ : كُنْتُ حَاجّاً إِلَى بَيْتِ اَللَّهِ اَلْحَرَامِ ، فَنَزَلْتُ فِي بَعْضِ اَلْمَنَازِلِ فَإِذَا أَنَا بِامْرَأَةٍ مَحْجُوبَةِ اَلْبَصَرِ وَ هِيَ تَقُولُ: يَا رَادَّ اَلشَّمْسِ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَيْضَاءَ نَقِيَّةً بَعْدَ مَا غَابَتْ، رُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي قَالَ اَلْأَعْمَشُ : فَأَعْجَبَنِي كَلاَمُهَا، فَأَخْرَجْتُ دِينَارَيْنِ وَ أَعْطَيْتُهَا فَلَمَسَتْهُمَا بِيَدِهَا ثُمَّ طَرَحَتْهُمَا فِي وَجْهِي وَ قَالَتْ: يَا رَجُلُ أَذْلَلْتَنِي بِالْفَقْرِ، أُفٍّ لَكَ، إِنَّ مَنْ تَوَلَّى آلَ مُحَمَّدٍ لاَ يَكُونُ ذَلِيلاً. قَالَ اَلْأَعْمَشُ : فَمَضَيْتُ إِلَى اَلْحَجِّ، وَ قَضَيْتُ مَنَاسِكِي، وَ أَقْبَلْتُ رَاجِعاً إِلَى مَنْزِلِي وَ كَانَتِ اَلْمَرْأَةُ مِنْ أَكْبَرِ هَمِّي حَتَّى صِرْتُ إِلَى ذَلِكَ اَلْمَكَانِ، فَإِذَا أَنَا بِالْمَرْأَةِ لَهَا عَيْنَانِ تُبْصِرُ بِهِمَا. فَقُلْتُ لَهَا: يَا اِمْرَأَةُ مَا فَعَلَ بِكِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ؟

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

فَقَالَتْ: يَا رَجُلُ إِنِّی أَقْسَمْتُ بِهِ عَلَی اَللَّهِ ستَّ لَيَالٍ، فَلَمَّا كَانَ فِی اَللَّيْلَةِ اَلسَّابِعَةِ وَ هِیَ لَيْلَةُ اَلْجُمُعَةِ ، فَإِذَا أَنَا بِرَجُلٍ قَدْ أَتَانِی فِی نَوْمِی فَقَالَ [لِی] : يَا امْرَأَةُ أَ تُحِبِّينَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ ؟ [قَالَتْ] : قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: ضَعِی يَدَكِ عَلَی عَيْنَيْكِ وَ قَالَ: [اَللَّهُمَّ] إِنْ تَكُنْ هَذِهِ اَلْمَرْأَةُ تُحِبُّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ مِنْ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ، فَرُدَّ عَلَيْهَا عَيْنَهَا. ثُمَّ قَالَ: نَحِّی يَدَكِ. فَنَحَّيْتُهَا فَإِذَا أَنَا بِرَجُلٍ فِی مَنَامِی. فَقُلْتُ: مَنْ أَنْتَ اَلَّذِی مَنَّ اَللَّهُ بِكَ عَلَیَّ؟ قَالَ: أَنَا اَلْخَضِرُ ، أُحِبِّی عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ ، فَإِنَّ حُبَّهُ فِی اَلدُّنْيَا يَصْرِفُ عَنْكِ اَلْآفَاتِ، وَ فِی اَلْآخِرَةِ يُعِيذُكِ مِنَ اَلنَّارِ .)

[۱۱] سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۴۳ (وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ ۚ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي ۚ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا ۚ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ)

[۱۲] المناقب ابن شهر آشوب، جلد ۴،صفحه ۷۱

[۱۳] من لا يحضره الفقيه، جلد ۲، صفحه ۵۸۴ (وَ رَوَى حَمْزَةُ بْنُ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اَللَّهِ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ : «يُقْتَلُ حَفَدَتِی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِی مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا طُوسُ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفاً بِحَقِّهِ أَخَذْتُهُ بِيَدِی يَوْمَ اَلْقِيَامَةِ وَ أَدْخَلْتُهُ اَلْجَنَّةَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ اَلْكَبَائِرِ» قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا عِرْفَانُ حَقِّهِ قَالَ «يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ اَلطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنِ اُسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَیْ رَسُولِ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى حَقِيقَةٍ » .)

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.